



تعظیم شعائر حسینی، حق مسلم مردم، در جمهوری آذربایجان است

با پلیس و قانون نمی توان کسی را از ذکر نام حسین(ع) منع کرد، تکرار این ذکر و نصب آن مانند نفس کشیدن، یک حق مسلم است و استعمارگران نیز بدانند با حمایت از فرقه هایی چون فرقه شیرازی و تشیع انگلیسی نخواهد توانست در میان مردم ایران و آذربایجان فتنه کنند.

آران نیوز-حکومت بر دومین کشور مهم شیعی جهان قانون، خط و مشی و راهبرد های خاص حاکمیتی و شیعی خود را می طلبد و احترام به مذهب و شعائر تشیع ، حق مسلم مردم در چنین کشوری است.

در دوره هفتاد ساله حکومت کمونیسم، مردم جمهوری آذربایجان با نقل سینه به سینه و محدودیت های کم نظیر در طول تاریخ، که اجازه نوشتن، چاپ و حتی خواندن در خصوص اسلام و تشیع به آنها داده نمیشد، عشق به پیامبر رحمت(ص) و ائمه اطهار علیهم السلام را در قلب های خود زنده نگه داشتند. مردمی که تنها در سوگ عزیزان خود و در مسیر بین خانه تا گورستان فرصت داشتند ندای درون قلب های عاشق خود را فریاد بزنند!

عاقبت کمونیسم فرو پاشید و قفل از دهان و قلم ها برداشته شد و پس از دهه ها صدای لیبیک یا حسین(ع) در بخش مهمی از خاک اسلام جاری شد و هر روزی که از روز فروپاشی شوروی می گذرد دین اسلام و مذهب تشیع عمق بیشتری در این سرزمین پیدا می کند.

نسل های جدید در آذربایجان به خوبی این امانت الهی را از قلوب پدران و مادران دین مدار و حسینی خود تحویل گرفته و هر ساله با شکوه بیشتری این عشق ابدی را فریاد می زنند.

نام حسین(ع)، نه کلمه ای عادی که کلمه ای مقدس است، این کلمه را در هر سرزمینی که زمزمه کنند ، کشتی نجات حسین(ع) در آنجا پهلو میگیرد و چتر عزتش را بر سر اهالی آن سرزمین پهن می کند و هر امتی که نور حسین(ع) را تجربه کند ، تشنه این نور میشود و عطش این تشنگی با هیچ عطشی در این جهان قابل مقایسه نیست.

با پلیس و قانون نمی توان کسی را از نوشیدن آب یا کشیدن نفس منع کرد و ذکر نام حسین(ع) برای شیعیان حکم آب را دارد، مانند نفس کشیدن است، یک حق مسلم است و نتیجه ممانعت از چنین حقی کاملا مشخص است.

سوگواری برای حضرت سید الشهداء و رونق بخشیدن به آن از شعائر مهم مذهب تشیع بوده و به معنی «اعلام» وفاداری به آرمان های حسینی و برائت از جبهه باطل است که به فلسفه قیام عاشورا پهلو زده است.

آنچه مسلم است، میان شعائر دینی و جوهر دین پیوند محکمی وجود دارد؛ از طرفی تعظیم شعائر، بدون توجه به عمق و ریشه دین، تنها کالبدی بی روح خواهد بود و از طرفی دیگر باطن دین نیز بدون برگ و بار ظاهری و وجهه عملی و شعائر، به سر منزل مقصود نمی رسد و از این باب است که قدرت های استعماری با تعظیم شعائر مخالفت می کنند . تعظیم شعائر مراتبی دارد، تعظیم در مرتبه اعلی، در قلب سپس در ظاهر و جوارح مانند سینه زنی ، اشک چشم و ... و در مرتبه حداقلی به این است که انسان اهانتی به شعائر ننموده و مانع آن نشود.

شیعیان قفقاز به جز برهه هایی، نه قلم و نه قدرت در دست داشته اند و در طول تاریخ داد مظلومیتشان را زده و با تعظیم شعائر، به عنوان یک راهبرد موثر ، مانند جریان از آب زلال در میان تمام ناملایمات تاریخ این سرزمین، راه خودشان را تا امروز طی کرده و هویت خود را حفظ کرده اند.

استعمار با فهم دقیق از قدرت تشیع به عنوان یک چراغ بیدارکننده وجدان های خفته و خاموش، از هیچ دسیسه ای برای کدر شدن این چراغ فروگذار نمی کند، تا جایی که برای نمونه، با تاسیس حوزه های علمیه با خط و مشی های انحرافی و ترویج افراطی گری، سعی در بدنام و بی هویت نمودن چراغ منور تشیع نموده است. سالهاست رهبر عالیقدر مسلمین جهان، حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای به مساله و فتنه تشیع انگلیسی تاکید می کنند، فرقه ای که با هدایت استعمارگران، جز ایجاد هزینه و تفرقه در میان مذاهب، کارکرد دیگری نداشته و نخواهد داشت.

فرقه های معلوم الحال چون شیعه انگلیسی، روزی با اقداماتی چون قمه زدن و نمایش چهره ای خشن از تشیع و روزی دیگر با دشنام به بزرگان اهل تسنن و امروز با فتنه در سفارت باکو در انگلیس، در حال اجرای ماموریتی هستند که حکمش در همان انگلیس و امثالهم صادر شده است تا با یک تیر چند نشان بزنند که در ادامه به آن می پردازیم:

اولا با اهانت به پرچم جمهوری آذربایجان در واقع به پرچم دومین کشور شیعه جهان اهانت می نمایند؛

دوما با نسبت دادن اقدامات این فرقه منحرف به جمهوری اسلامی ایران، توسط شبکه های رسانه ای وابسته به خود، به نوعی دولت و مردم ایران را مسبب این اقدام ناشایست معرفی کرده و از این طریق بین مردم ایران و آذربایجان فتنه می کنند.

سوما با قرار دادن پرچم امام حسین(ع) در مقابل پرچم جمهوری آذربایجان، عملا مذهب تشیع را در مقابل احساسات و علائق وطن دوستانه مردم آذربایجان قرار می دهند و این درحالی است عکس این مطلب صادق است و وطن دوستی در دین اسلام از ایمان معرفی شده است و برای نمونه در ایران اسلامی همین حسینچی ها بازوان قدرت تشیع و جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با قدرت های استعماری هستند، آنها در دوران 8 سال دفاع مقدس نگذاشتند حتی یک وجب از خاک ایران در تصرف دشمن بماند و در دوران اخیر نیز با حمایت از جبهه مقاومت اسلامی، فتنه داعش را در عراق و شام خاموش و یک خطر بالفعل را در مقابل دیدگان مردم جهان برطرف نمودند.

شیعیان و هم پیمانان ایران، تنها قدرتی در جهان هستند که با عده و غده ای محدود در مقایسه با سایر قدرتهای جهانی توانسته است اثر گذاری بین المللی داشته و مدافع واقعی منافع جهان اسلام و البته منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشند و هیچ منافات و رو در رویی بین پرچم یا حسین(ع) و پرچم هیچ کشور آزاده ای در جهان وجود ندارد و پرچم یا حسین(ع)، پرچم کشتی نجات و چراغ هدایتی برای توسل جویندگان به آن خواهد بود.

مگر می شد سرزمین های آذربایجان را بدون سربازانی که عشق به امام حسین(ع) در قلب هایشان موج میزد آزاد کرد؟! آیا آهن و تانک و هواپیما و موشک می تواند زمینی را آزاد کند !؟

در پایان این نکته را متذکر می شویم که مرور تاریخ بخصوص تاریخ اسلام و تشیع اثبات می کند، مقابله و حتی بی توجهی به اعتقادات یک ملت مسلمان، همیشه نتیجه عکس داده و منجر به شکوفایی و قدرت بیشتر آنها شده است و حتی ممکن است به علت برخی برداشته های غلط و محدودیت ها، موجب به وجود آمدن جریانهای رادیکال شود که از آن سوی بام بیافتنند و این چیزی است که دولت جمهوری آذربایجان باید به آن توجه نموده و مسیر دینداری و تعظیم شعائر را در جمهوری آذربایجان باز بگذارد تا از هرگونه ، توطئه ، افراطی گری و فتنه استعمارگران در امان بوده و موجبات همزیستی مسالمت آمیز را در میان مردم شریف و آزاده آذربایجان فراهم آورد.